

مقاومه زهره و مریخ

سلاطین اهل مصر باشد و بدی حال برزگران و کثرت امطار (مقاومه زهره و مریخ در
 مثلثه خاکی) دلالت کند بر ولیری کردن دزدان و بیماری خسوف و فجور و فاش شدن طهو
 و طرب و فساد نباتات و برکتن هوا و تفاوت بزخما و بیماری زنان و ناسازگاری
 ازواج و طلاق و فراق بسبب عشق و عاشقانه زلفت زنان سلطه و بیماری کا و گویند
 و حدوث ریش جگر و سرفه (اگر در ثور بود) فساد دزدان باشد و بد کاران و بیایا
 فسق و فجور و خیرگی زنان و کثرت زنا و حدت زنان با شوهران و غلبه کردن موت
 در آب و کثرت درد چشم و نقصان اشجار و اثمار و سایر نباتات و بسیاری باد و قله
 بر که میوه و پدید آمدن دزدان و افت ایشان و بیماری مطربان و کثرت بارندگی و تاز
 هوا و تفاوت زجها و موت پادشاهی در طرف مشرق و جزای بعضی قرا و مواضع در
 آن طرف و بیماری و موت زنان و فرج لشکریان و کثرت فساد و زنا و رعد و باران
 اگر مریخ مستعلی باشد مرک و در باد را هواز و گرمی هوا باشد و اگر زهره مستعلی باشد
 بیماری یاران و غز و اهل عراق عرب و کوهستان و مرک بزرگان و ولایت (و اگر در سنبله
 بود) دلالت کند بر کثرت موت و زنان و وقوع حوب و طعن و ضرب میان دولتشکر
 و قتل بعضی از فرماندهان و فوت مبتدعه و فساد اطعمه و مریخ زنان حامله و خدمه و بزرگان
 و تجار و شدت رنج و ضرر خوابان و مطربان. بخصوت ازواج و دشواری وضع حمل
 و تلف شدن اجنه و اندوه زنان و مطربان و بیماری در این طبقه و گرفتاری جمعی
 اهل ضوا و بیاست رسیدن آنها و ظهور مهوام ضاره و اگر مریخ مستعلی بود یکی از
 فرماندهان از موت باشد و آمدن ملخ در وقت و اگر زهره مستعلی بود مرک بعضی از
 سلاطین باشد بسبب زن و هلاک اطفال (و اگر در جد بود) دلالت کند بر فرج
 اهل سلاح و رغبت مردم بقتل و فجور و رونق خازان و قوالان و بسیاری بارندگی
 و سردی هوا و ناسازگاری ازواج و عجز شدن کبیرگان و حریق در زمین عراق و عو
 حال امر و لشکریان و گرفتاری و لاینها و اسیر بوده و موت زنان و بیرون رفتن مطربان و
 کدورت و اگر مریخ مستعلی بود هلاک ملک حوزستان باشد و مرک اعتنام و سختی

سلاطین

موت

سلاطین

سلاطین

در مثلثات امربع

سرمه و اگر زهره مستعلی باشد حریق حادث شود و اگر در ولایت جوزستان و خروج
 خوارج در کوهستانها و کثرت باران (مقارن زهره و مریخ در مثلثه هوائی) دلا
 کند بر فساد حال معیان و فسق و فجور میان زنان و خادمان و اوقات بیانات و اشیا
 در یاجین و میوهها و بیماری مردم و اسقاط حمل و بر آوردن خون و فساد بزرگان و
 اختلاف هوا و اشکارا شدن فواحش و دلیری زنان بدکار و دلیری ایشان و بدنامی
 خوانین و اوقات کینزان و فسادمان و وقوع حصه ابله (و اگر در جوز باشد) دلا
 کند بر شیخ مطربان و فسق در خلایق و غلبه زنا و اوقات اشجار و فتنه بکاههای بی رغبت
 و اسقاط اجنه و مخالفت ازواج و رسوائی بدکاران و بارندگی در وقت و موت ملکی
 و شیوع مرگ در میان زنان و بادهای مخالف و تشویش و نا امنی راهها و بدی
 حال بخار و اگر مریخ مستعلی بود دشمنی ازواج باشد و کمی نم و اگر زهره مستعلی
 صوت ملک کوهستان بود و هلاک علمای ایشان و بسیاری آب رودخانهها (و اگر
 در میزان باشد دلالت کند بر حرب و فتنه و سبی و حریق و رسیدن مضرت باهل
 عالم خاصه زنان و حدوث غیوم و امطار و کثرت فسق و فجور و میل زنان با فعا
 ناپسندیده و خصوصاً ازواج و اسقاط اجنه و بیماری مطربان و مردان و تاریکی
 هوا اگر مریخ مستعلی بود مرگ زنان و کثرت خوارج در خیال و فتنه در جوزستان
 و حریق و قلت باران و اگر زهره مستعلی بود مرگ زنان بود و کثرت خوارج در خیال
 و بسیاری نم و حریق در بلاد بیه عرب و سلاح اهل روم (و اگر در جوز بود) دلا
 کند بر بسیاری بارندگی سرمه و بیماری زنان و فسق و نبود و او باش و سقوط
 اولاد ارحام و موت یکی از زنان ملوک و شدت در زمین مغرب و کثرت ملح در
 ولایت حجاز و محظ و غلاطعام اگر مریخ مستعلی باشد شدت بود در عراق عرب و
 محظ و کمی باران و اگر زهره مستعلی باشد مرگ بسیار بود و افتادن حرین و بسیاری
 ملح و باران (مقارن زهره و مریخ و زهره) در مثلثه ابله دلالت کند بر فساد آنها و حیوان
 ابله و بدی حال زنان بدکار و سقط شدن اطفال و فساد فرزندان و مخالفت

در مثلثات امربع

در مثلثات امربع

در مثلثات امربع

در مثلثات امربع

در مثلثات امربع

از و اج بودن سر ما و بارندگی در وقت خاصه که در وند باشد سپا وند غاشق و اختلا
هو و اوقات بنانات و اضطراب بزنها (واگر در سطرطابود) دلالت کند بر خلاصی
بحبوسان و بیشتر زنان و مشغولی ایشان بمل بد و اسقاط اجنه و بیماری خواتین
و اهل طرب و بارانهای سخت در اماکن مستعد و انکار کرنا و تنگی خال غامه و فرزند
نهنگ و تنگی خال امر و فساد و اگر مریخ مستعلی بود خروج خوارج بود در جبال و رسیدن
شر از اعدا در حوزستان و مرگ زنان حامله و کمی باران و اگر زهره مستعلی بود
موت یکی از پادشاه زادگان و غزو جبال در عراق عرب و خزایه و آمدن بلخ (واگر
در عقرب بود) دلالت کند بر کثرت باران و سرما و قاتل کشتن فسق و فجور خاصه
در لشکریان و مردمان بد فعل و سقوط اجنه و علت در آلات تناسل و ناله مغیبا
و موت بعضی از زنان پادشاه و خروج اهل جبال بر حوزستان و ظهور اشیاء
و قلت فوائد مطربان و مردود شدن مختان و اقامت دواب و رسوائی زنان و
ایشان اگر مریخ مستعلی باشد مرگ زنان پادشاه و اهل جبال و خراسان فساد کنند
و اگر زهره مستعلی باشد بید پادشاهی شود در زمین روم و موت ابنای پادشاه
و فساد اهل سواد باشد (واگر در برج حوت بود) دلالت کند بر موت والی شام
و کثرت جمع و بیماری و موت در اخصیا و بسیاری باران و طغیان آنها و قلت فوائد
خواتین و مطربان و میل زنان با مردان و وقوع نکاحها و بسیاری بارندگی و بیخ
مسافران دریا و همت بر خواتین و خدعه و تغییر حال هوا و زیادتی آنها اگر مریخ
مستعلی باشد سلامتی اکثری از بلاد بود و بسیاری مرغ و ماهی و اگر زهره مستعلی بود
مرگ خاکم بابل و بسیاری باران باشد (قران عطارد و مریخ در مثلثا اثنی عشر) این
قران مطلقا دلیل بود بر خوف و خطر تیار و آمدن باد سموم و تقویق امور دیوانی و
نکبت رسیدن بغال و غارت و تاراج و بیر و نفی بازارها اگر مریخ غالب باشد
و مستعلی بود دلیل بر تعصب و خصومت و استیلا و فتنه و مناقشه نمودن مردم با
یکدیگر و حقد و حسد و حرب و جنگل کردن و اگر عطارد غالب و مستعلی بود دلیل

نکته

در عقرب

در حوت

عطارد

ومثلثات اربع

برنج و مجادله و سینه کردن و ناراستی مردم و بیاری دروغ و سفاهت و محظ
 (قران عطار در پنج در مثلثات اربعی) دلالت کند بر ساختن الت حرب و حرکت
 لشکران و غضب و سفاهت در میان مردم و زحمت ارباب قلم و تجار و اهل بازار
 نهمت و غم و حیانت متصرفان و متصدیان و محاسبه ایشان و بیاری اراجیف و
 اخبار بد و فتنه و غوغا خاصه در اقلیم سیم و ششم و سایر بلاد و زدن در راه و قتل
 قلب و فساد طراران و بد فعلان و ظهور مدعیان کیمیا و غلبه دزدان و خشکی هوا
 و ظهور علامات آسمانی و داغ دواب (اگر در حال بود) دلالت کند بر حرب در
 ولایت شام و عرب و قتل آب چشمها و قتال میانه انبای پادشاه در ولایت روم
 و ترکستان و خروج لشکر از طرف مغرب و فساد و غارت کردن و حد و بیاد مرض از نجا
 و اوجاع بواسیر و رعد برق و باران و ساختن الت حرب و زحمت مردم بقتله و
 تجار و اهل بازار و خواست و طلب از رفا یا و وقوع تهمتها و ظهور کذابان و اهل
 ففاق و سفها و زحمت عمال و کتاب و اراجیف و خیانتها در مردم و قطع طرق فتنه
 در زمین مشرق و زدن در مه های قلب بانگ بوق و دهل در میان اهل بازار و سید
 و جمع آمدن معرکه کثیران و مشعبدان و منازعه صنایع و اهل حرفه اگر هیچ مستعلی
 در زمین شام فتنه باشد و دشمن در دیار عرب خرابی کند و باران آید و اگر عطار
 مستعلی بود میان اهل روم و دشمن مجادله و مقاتله افتد و هلاک بزرگی در آن بلاد
 افتد و خشم و بیاری و سخن کرمای بود (و اگر در اسعد بود) دلالت کند بر کرمای
 خشکی هوا و بیاری شهب اخبار مخوفه و اراجیف حیلت خلائق و فساد معادن
 و عزت الت حرب و ستور و بیاری و سبی و سفک دماء و مجادله و محاربه در زمین
 فارس و هلاک اعدای پادشاه و موت در کتاب و ارباب نقوش و حوب میان اهل
 مغرب و مشرق و ارزانی برده و کثرت رنج با کرد و عباد و قتل باران و کثرت کرمای
 و منازعه میان اهل قلم و خداوندان سلاح و تقیر و تشیع در میان ایشان و زیادتی
 سپاهیان بر اهل فضل و تقوی و تلف چهار پایان اگر هیچ مستعلی بود قوت بکن

سه در مثلثات اربعی

در حاکم

در حاکم

مقارنه مریخ و عطارد

فرماندهان روم باشد و کثرت امراض و علیل و موت حیوان بود و اگر عطارد مستعمل
 باشد بسیار بیخونی و زرس باشد و کثرت طاعون و موت در مملکت روم و محال
 نسران با پدران و موت اغنام (و اگر هر قوس بود) دلالت کند بر فاش شدن
 اسرار و زراء و کتاب و قلت نوایدان ایشان و وقوع مرافعات میان ایشان و کثرت
 اراجیف و رسل میان ملوک و قتال و موت و فساد غله و علالت دیوان و محاسبات
 و ارباب فضل و کساد بازارها و ستم بر رعایا و بخت و مناظره میان اهل علم و اگر
 مریخ مستعمل باشد قتل باشد میان اهل عرب و و با مرته و حدود باران و اگر عطارد
 مستعمل باشد قتل و خون ریختن باشد میان اهل مشرق و مغرب و کثرت و با و
 باد (مقارنه عطارد و مریخ در مثلثه خاکی) دلالت کند بر خروج فضولان و بدب
 راهها و غلبه دزدان و طواریان و فساد حال تجار و مزارعان و کمی اطعمه و نباتات و اند
 کارها و افتادن اراجیف و بد حال متصرفان و و کلاه و محاسبه اهل دیوان و افت
 دو آب و نقصان بارندگی و علالت دیوان و افت بعضی حیوانات و خوف اهل قلم از لشکر
 و دعوی میان سرهنگان و سپهسالاران (و اگر در شرب بود) فساد حال زنان
 و افت کار و کوفتند و نباتات و اندوه تجار و اهل بازار و زنان در معاملات و
 ظهور کذبان و طواریان و سوختن جاهها و چیزهای هولناک و افت مزارع و دو آب
 و ریخ عمال و متصرفان بسیاری دروغ و تهمت و بدی حال هوا و فساد اکثر اقالیم و کثرت
 موت در روم و بسیاری برها و سرعنا و غرامت کتاب و متصرفان و موت و زبری و
 مخالفت غامه و خروج رعایا بر اهل سلاح و اگر مریخ مستعمل بود فساد باشد در اکثر
 مواضع و موت در روم و باران و امکان برف در مواضع مستعده و اگر عطارد مستعمل
 باشد خوف و ترس و قتل و مرگ باشد و جستن بادها و توسط باران (و اگر در کربله
 بود) دلالت کند بر فتنه و فرغ در فارس و جوزستان و عراق عرب و موت ملکی غیر
 بود و خوف و شدت در بعضی بلاد و خشکی هوا و کثرت بنابر و استیلا و حرامت
 بر مزاجها و نصومت اصحاب دیوان و ارباب سلاح و غلبه کردن عوام و کثرت از

و کثرت

و کثرت

و کثرت

و کثرت

در مثلثات اربع

و در زدیها و کرم و حیل خاکی و بدگشتن هوا و بسیاری الت حرب و عزت آن و موت
 یکی از اهل قلم و اگر مریخ مستعلی بود حرب و مقاتله بود میان جمیع اهل قلم و مردم
 خیال و محکمها و بسیاری دزدان و اگر عطارد مستعلی باشد خونریزی و فساد بزرگان
 و کثرت دزدان باشد (و اگر در جسد بود) دلالت کند بر بسیاری از اینها و بیخ تجارت
 و اهل بازار و کشتن سخنان محالی و دروغ و وقوع لواطه و کثرت حیل و کارهای ناخوش
 و بدگشتن هوا و ضعف زاجها و بعد برن و بارندگی و سرما و موت پادشاهی
 در ولایت روم و کثرت مرض و فتنه و سبی و موت کوسفند و قاتل از قاتل و عصیان و اگر
 مریخ مستعلی بود ملک روم هلاک شود و کثرت بارندگی بود و اگر عطارد مستعلی بود
 در ملک و طاعون و ترس بود بر زمین روم و توسط بارندگی (مقارن عطارد و مریخ در
 در مثلث هواکی) دلالت کند بر زحمت و بران و مستوفیان و اهل بازار و منصرفان
 و غمال و تجارت و اندوه اهل فضل و شعرا و کشتن بها و سخنان بد و دروغ و بسیاری از
 و بیخ دو آب برده و بدگشتن هوا و بیماری حیوانات و زحمت مردم از سرخ باد و بیخ
 و ریختن خون و بودن دزدیها و طراریها و نوشتن خطوط مزوره و غضب امرا بر
 اهل قلم و سپید و ظلم لشکریان و خطا در معالجات اطباء و احکام نجومی و بقید انشا
 دزدان و خائشان و جستن پادشاهی سهموم (اگر در جوار بود) دلالت کند بر فساد
 حال خطاطان و نقاشان و علت اشجار و تشویش مردم خاصه و بران و اهل قلم و
 تاجران و ارباب فضل و بیماری جوانان از سرخ و بیخ باد و حصبه و فساد درختها
 و اندوه پیشه و ران و نا ایمی راهها و بادها از زبان کار و خنجرهای دروغ و کثرت لواطه و
 قوت یکی از اولاد ملوک و متحد یکی از فرماندهان و عزت او در ثانی الحال و خروج
 از جانب خراسان و فتنه و تشویش میان مردمان اگر مریخ مستعلی بود در ملک بعضی از
 فرزندان پادشاه باشد و خروج لشکر از کوهستان و محکمها بطرف خراسان و
 نادرها و اگر عطارد مستعلی بود فتنه و جنگ بود میان اهل روم و قلعه داران و کوه
 نشینان (و اگر در بران بود) دلالت کند بر فساد حال ملوک بابل و وقوع حریق

در کتب

در کتب

در کتب

در کتب

مقارن عطار در مریخ

در ناحیه مغرب و موت در آن بلاد و مضرت رسید بکتاب و ارباب فتوش و اندوه علماء
 و ارباب دیوان و ریخ تجار و اهل بازار و بودن اراجیف و رعد و برق و باد های تند
 و اظهار سخنان بهوده و بدی هوا و حیانت و جلیت در مردم و شکست یافتن کاروانها
 و تلف شدن مالها اگر مریخ مستعلی باشد درک فرزندان پادشاهی و بسیاری خوف و
 ترس در بلاد و غز و اهل حوزستان با مردم با دیده و هلاک آن مردم و اگر عطار دستعلی
 بود صلاح حال مردم روم باشد و حریق در ناحیه عرب و کثرت باران در هند و انکار
 زلزله (و اگر در دل بود) دلالت کند بر جنگ و بانگت میان مردم و خواست از زمین
 و ظلم و ستم بر اهل حرفه و تهمت و غز میان مردم و ظهور رختانسان و نما مان و اندوه عمای
 و تجار و بدگشتن هوا و سرما در وقت و هلاک اهل سواحل از ولایت عرب و درک پادشاهان
 یا یکی از ارکان دولت و کثرت جدال و قتال و فتنه در اکثر بلاد و کثرت مرض و موت
 و کرائی و بسیاری نم و رطوبت اگر مریخ مستعلی بود درک در زمین فارس شیوع یا
 و افتادن فتنه و اگر عطار دستعلی بود بسیاری جدل بود و افتادن مرگ در مردم و
 کثرت باد (مقارن عطار در مریخ در مثلث ابریم) دلالت کند بر فساد کشتیها
 و افتادن اراجیف و برخواستن تجارات و نار یکی و بیماریها از سستی اعصاب
 و نکبت زنان و رطوبت و دماغ و ظلم و خواست تهمت و غز و فساد آنها و کارها
 و رعد و برق و هلاک حیوانات ابی و رفتن بارها و ابرهای مختلف و پراکندن
 مسازان و بازارکانان و زحمت و کلا و متصرفان (اگر در سرطان بود دلالت
 کند بر زدیها و خیانتها در بکرها و بسیاری اراجیف و دروغ و مسدود شدن راهها
 و دست بر آوردن قاطعان طریق و فساد کشتیها و سستی اعصاب و ظهور غمازان
 و زرقان و بدگشتن هوا و سختی تجار و اهل بازار و وبا و کثرت موت در مشرق و
 قتال میان ملوک و اضطراب عوام و خرابی املاک و شدت حرارت و قلت میاه و
 فساد در مجلس پادشاه و امراء و قلت فوائد کتاب و موت در میان اهل قلم و کثرت
 فسق اغلام اگر مریخ مستعلی بود حرب و فتنه بسیار باشد و خرابی شهرها و سختی کرمان

سختی

سختی

سختی

مقارنه قمر با مریخ در مثلثات اربع

و اگر عطارد مستعلی بود حدوث زلزله بود و سختی کرمها و افتادن مرگ در میان مردم (و
 اگر در عقرب بود) دلالت کند بر موت در بادیه عرب و تسلط اهل خیال بر ایشان و
 ظفر یافتن بر اکثر اراضی و ولایت ایشان و کثرت هموم در اتم و شدت مرض و خسارت
 کتاب و رسل و کثرت مطر و خوف خلائق و ظلم بر اهل حرقه و فساد آنها و کشتیها
 و کثرت لواطه و عذرو گفتن سخنان کذب و تهمت و حیانت از همه نوع و بدگشتن
 هوا و توسط اعمال عمال و تجار اگر مریخ مستعلی باشد هلاکت ملک بادیه بود و افتادن
 مرگ در روم و جستن بادهها و اگر عطارد مستعلی باشد چنان حاکم عراق عرب بادشمن
 دست دهد و بیاری پروباران (و اگر در حوت بود) دلالت کند بر بدی حال
 متصرفان و تجار و اهل بازار و کساد متاعها و حیانت و همت میان خلائق و آوارگی
 و بادهای تند زافت حیوانات الیه و غرق کشتیها و تغییر هوا و مجاریه میان لشکر
 روم و اهل مشرق و خراب شدن مواضع کثیره و قتل در ارض حجاز و قوت
 کفار و موت و فساد کتاب ادبانه و وقوع بیابان و برها و ریح بارده و قتل میان
 اهل دریا و اگر مریخ مستعلی باشد حرکت ملوک بود و حرب میان روم و بابل و اهل
 و اگر عطارد مستعلی بود پیداشدن کفر و الحاد بود و مرگ مردم و کثرت باد و باران
 (مقارنه مریخ با قمر در مثلثات اربع) این مقارنه دلیل است بر قتل و کشتن و
 و نزاع در عوام الناس و بیاری کذب و بیم و هراس در قلوب خلائق و گداز مرگ
 ساطران و ابله بایان و اختلاف هوا پس اگر مریخ مستعلی بود حرب ملک بابل باشد
 و کثرت قتل و فتن در اکثر بلاد و بیاری موت در فارس و روم و غلبه سباع و نفوذ
 در آب و قلت نم و اگر قمر مستعلی بود کثرت باران بود در وقت (مقارنه قمر و مریخ در
 مثلثات ثلثی) دلالت کند بر حدوث امراض و زیادتی کرمها در وقت و تیرک هوا و حرکت
 لشکران و غم و اندوه سافران و اراجیف بسیار و حرکت دزدان و چیزهای پراکنده
 و بیاری نظم (اگر در حمل بود) دلالت کند بر خصومت مردم و بیم زنان حاطه و گرفتاری
 رسل و فساد آنها و مخالفت ازواج و ریج اطفال و بیاری از حصه و ابله و کرمی هوا در

بسیار

فان قمر مستعلی

و کرمی

مقارنه قمر و مریخ

وقت و نشیمنها در میان لشکریان و فساد حیوانات و مرگ مملکت با ابل و غارت اموال
 و تلف شدن دواب و تشویش در میان عامه و دست یافتن از باب سلاح و اگر مریخ
 مستعلی بود ضرر و خاکم عراق بود و کشتن را بولایت و بیماری و حرب در فارس
 اگر قمر مستعلی باشد بیماری باران بود در وقت (و اگر در امسک بود) دلالت کند
 بر مرگ پادشاه در ولایت مغرب و پراگندگی اشراف در آن بلاد و کثرت قتل و سران
 و ضرر از سباع و تلف شدن دواب و بیوست هوا در وقت و اختلاف آن و تردد در
 و حاشا و سوزان و اندوه فرماندهان و زحمت مرغان و بادهای خوف و امکان حریق
 و بیماری زنان عامه و اگر مریخ مستعلی بود اندکی باران باشد و اگر قمر مستعلی بود
 کثرت باران و نم بود در وقت (و اگر در قوس بود دلالت کند بر برف خاطر عوام
 از سپاهیان و محبوسان و جواسیس و اشفتگی کار زنان و مردان و افتادن
 اخبار متلون و گرمی هوا در وقت و داغ کردن دواب و ارتکاب مردم بکار آتش و کاپل
 عوام در عبادات و کارهای دینی و اگر مریخ مستعلی بود تنگی آید باران در وقت
 و اگر قمر مستعلی بود بیماری باران و آب در وقت (مقارنه مریخ و قمر در مثلثی) دلالت
 کند بر تا ایمی راهها و جنبش لشکریان و دزدان و راه زنان و بدی حال مسافران
 و بازوگانان و افت درختان و میوهها و تار یکی خشکی هوا در وقت و بیماری در وقت
 و کثرت مرگ مفاجاة (و اگر در قوس بود) دلالت کند بر کثرت اراجیف و خبرهای در وقت
 در مریخ عامه و زنان حامله و اسقاط اجنه و افت حیوانات و خصومت عوام الناس با
 سپاهیان و تشویش رعایا و شکوه مسافران از دزدان و ظلم و تغییر هوا و فساد
 حال زنان مالوک و اشراف و بستگی کارهای بازاریان و بیماری زغلبه خون و مرگ
 بزرگی و مشقت و خواری رسیدن با اشراف و انتقال مردم از مساکن و اوطان و
 افت دواب اگر مریخ مستعلی بود جنگ و گفتگوی میان مردم بسیار بود و کمی
 باران بود و کوانه طعام و اگر قمر مستعلی بود اسقاط حمل باشد و کمی کشت و زرع
 و بیماری باد و باران (و اگر در کسبل بود) دلالت کند بر اجتار دروغ و ذل

و کثرت

و کثرت

و کثرت

و کثرت

و کثرت

در شکار کبک

بواهل دیوان و زحمت اهل اسواق از سپاهیان و ارباب حناگر و تباهی راهها و مجارله در
 میان عوام و عزت اسلحه و بیماری و شیرکان و فسق زنان و ریج مسافران و بسیاری
 و باران در وقت و امراض در میان دزدان و بدکاران اگر ریج مستعلی بود باران و نم
 بسیار آید و اگر قمر مستعلی بود میان پادشاه و دم و عرب و فارس نزاع افتد و محظایا
 کثرت امطار و وقوع یابد (و اگر در سبک بود) دلالت کند بر خوف و هراس در عوام انبیا
 از سپاهیان و بیرونی با زار و توقف مسافران و دشواری وضع حمل و میل هوا ببرد
 و رطوبت در وقت و یکی حال مسافران و گرفتاری فیوج و جواسیس و فرود رفتن
 بزرگی و حدیث فتنه و موت در روم و اگر ریج مستعلی بود هلاکت یکی از بزرگان
 بابل و حوزستان باشد و اگر قمر مستعلی بود کثرت میاه و بسیاری طيور بود (مقا
 قمر ریج در مثلث هوا) دلالت کند بر ظهور علامات در هوا و زیادتی گرفتاری و
 نهب در وقت و کثرت دزدی و حیانت (اگر در چو نما بود) دلالت کند بر کثرت
 اخبار دروغ و فتنه در میان عوام و اهل فضل و ارباب قلم و تجار و وزیدن بادهای
 ناخوش و ملال و نقصان مسافران از دزدان و قاطعان طرق و ظلم بر رعایا و محقر
 و ملال کتاب و مرگ بزرگی پس اگر ریج مستعلی بود یکی از حکام عراق عرب و بابل
 بقصد و مکر زنی ضایع و نابود گردد و اگر قمر مستعلی بود صلاح حال اهواز و حوز
 بود و بسیاری خیر و نیکی باران در وقت (و اگر در میزان بود) دلالت کند بر ریج
 زنان حامله و کیسوداران و درماندن رسولان و مسافران و افسان طرق و شوابع
 و کدورت اهل طرب و جتن بارها و ناسازگاری ازواج و بیماری از هوازدگی در
 غلبه خون و موت پادشاهی در دیار ربیع و در طرف مشرق و کثرت هوام مؤذبه
 و تلف شدن دواب و توسط بارندگی و اگر ریج مستعلی باشد کمی باران بود در وقت
 (و اگر در کلب بود) ریج و تفرقه ملوک و اکابر بود و بادهای سرد و زرد و نم و باران
 و رعد و برق در وقت و بدحالی مسافران و خوف و ناامنی راهها و گرفتاری جوا
 و اندوه زنان و بیماری عامه اکثر پیران و فتنه و مجارله در میان عوام الناس اگر ریج

کبک

در شکار کبک

کبک

در شکار کبک

کبک

مقارنه قوت و قوت

مستعلی بود کمی باران و نم بود و اگر قوت مستعلی بود بسیاری باران و نم بود در وقت (مقارنه قوت)
 فروریخ در مثلث (د) دلالت کند بر موت فرماندهان و حرکت ایشان و دشواری در کشتیها
 و بدی حال مسافران و فساد مرغ و نقصان جانوران و رعد و برق و تاریکی هوا در وقت
 (اگر در سرطان بود) دلالت کند بر غوغای عوام و فساد بدکاران و زحمت مسافران
 دریا و ارتفاع بخارات و دشواری وضع حمل و فساد آبها و تیرگی هوا و دلشغولی
 عوام الناس و هراس در مردم و غوغای و کفکوی زنان و فساد حال بدکاران و زجر
 ایشان و نم و باران و رعد و برق در وقت رفته و مرگ یکی از فرماندهان و نفقه
 ملوک مال بسیار و ابرو لشکریان و اهل حرب و قصد سلاطین بیکدیگر و غرق سفین
 در وقت مبادی کلیه جزیره و فصول و تحویل و اجتماعات و استقبالات اکثر الوقوع
 باشد اگر مریخ مستعلی بود باران و نم بسیار باشد و اگر قوت مستعلی بود بسیاری شورش بود
 در اکثر بلاد و سوت مردم بود بیشتر در فارس و روم و خشکی هوا (و اگر در عقرب بود)
 خوف مسافران بود خاصه مسافران دریا و قید جاسوسان و عقوبت آنها و پیدا
 شدن بخارها و کدورت هوا و اندوه زنان و بیماری ایشان و خصومت ازواج و
 محبوبی عوام و ناله ایشان از بدکاران و ستم و مرگ یکی از اعیان و غارت و رعد و برق
 و باران در وقت و اگر مریخ مستعلی بود مرگ بزرگی باشد در عراق عرب و خوزستان
 و بسیاری فتنه در فارس و روم و رعد و برق و اگر قوت مستعلی بود بسیاری آبها بود و رعد
 و رعد و صاعقه (و اگر در حوت بود) دلالت بر بیخ مسافران و افت کشتیها و زبان
 زنان و مکروه عوام و بسیاری بخارات تیره و تلخ هوا و کدورت علما و اشراف
 و مرگ حیوانات آب و بدخالی صیادان دریا و حسرت بخار و هلاک بزرگی رفته و غارت
 و بیماری و زدن در ولایت روم و کوهستان و بارندگی در وقت اگر مریخ مستعلی
 بود هلاک مردم بابل و فارس بود و اگر قوت مستعلی بود باد و باران بسیار باشد
 (فصل چهارم) در قرانات سفید در مثلثات ربع و برج اثنی عشر *
 (مقارنه عطارد و زهره در مثلثات ربع) این مقارنه مطلقا دلیل است بر اعتدال

در مثلثات ربع

در عقرب

در حوت

در قرانات سفید

مقارنه عطار در مثلثات اربع

هو و جستن باد های معتدل در قباستان و سردی در زمستان و رغبت مردم ب علم موسیقی
 و تصویر و نقوش و الوان مختلفه و وضع رسوم مطبوعه و لطیف و اختیار خوش
 پس اگر زهره غالب مستعلی بود دلالت کند بر خوشدلی مردم و انصاف دادن در ک
 کارها و عفت جوانان و رعیت ایشان بطاعت و عبادت و روانی بازار پرده و عطر
 و جامه و اگر عطار غالب و مستعلی بود دلیل بود بر کثرت تحصیل عوام و رغبت مردم
 ب فنون و صنایع دقیقه و اعتدال مزاجها و خوش سلوکی عمال با مردم و رونق بازارها
 و خوشحالی تجار (قران سفلیین در مثلثه اقبی) دلالت کند بر رونق کار زرگران
 و اهل پیرایه و نقاشان و عطاران و بزازان و اهل بازار و بسیاری بیع برده و دوا
 و جواهر و اعتدال هوا و ارتفاع بخارات و تاریکی و رعد و برق و افتادن عداوتها
 و فتنها و غضب میان خلایق و ارزانی لحم و دواب و فراخی مطعمات و با کول
 و رسیدن اخبار صحیح و نشأ اهل قلم و دفاتر (اگر در حال بود) دلالت کند بر غوم
 و مطر و خوف کتاب بدخالی زنان و نمود زرع و نیکی حال دبیران و ضیاع و تجارت و رعیت
 خلایق با هو و طرب و کثرت بیع و شکر برده و اقسام و ارتفاع بخارات و تاریکی هوا
 و رعد و برق و رواج بازارها و مجادله میان بازاریان و مخالفت ازواج و کثرت الیافه
 زهره و موصل و شادی زنان و اگر زهره مستعلی بود لشکرها در زفره و موصل شوند
 و فوت اهل نایل بود و کثرت ابرو باران باشد و اگر عطار مستعلی باشد قشر در خون
 حادث شود و کثرت ابرو باران بود (و اگر در اسد بود) دلالت کند بر عشق
 با مردان و اعتدال هوا و میل خلایق ب فسق و فجور و تیزی بازارها و سبب اهل قرا و رونق
 موت در اکثر بلاد و حرب و کثرت قصور و سفک دنیا و غالب شدن خون بر مزاج
 اگر زهره مستعلی بود عک باشد در زنان و کودکان و کبی باران و سختی کرما و رعیت
 و برق و اگر عطار مستعلی بود ترس و خوف در اکثر ممالک باشد و خون و بختن و
 کرب هوا (و اگر در قوس بود) دلالت کند بر کثرت اراجیف و بسیاری عداوت
 میان مردم و حکام و فراغت خاطرها و رونق تجار و اهل حرفه و عشق میان زنان

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

مقارنہ عطار در زہرہ

وامردان و کثرت باد و قسند و بعضی بقبرها و جمع آمدن مردم در زمین عراق عرب و آمدن
 جشوع و ایلیچیان و خبر عنای مختلف و نیکی حال دیران و اگر زہرہ مستعلی بود میان
 اهل عراق و ارمینہ حرب افتد و توسط باران و رعد و برق باشد و اگر عطار مستعلی بود
 ملک بابل بہزمت شود و نیکی کشت بود و مرگ اهل فارس باشد (مقارنہ سفلیین
 در شلتر خاک) دلالت کند بر بیماری بیج و شری الطمر و حیوانات و شیرینہا و جامہا
 و ارزانی و فراخی و نیکی کشت و زرع و آمد و شد کاروانہا و مسافران و افتادن انجنا
 خوش و بسیاری خصوصت و عداوت و بد حالی و کلا و مقصرتان و ظهور مشعبدان و
 بازی کران و بودن سرما و کمی باران در وقت و جاہلی کردن عامر نزد سلاطین و فرطانہا
 و بہتان و دروغ و اشکارا شدن جملہا و فسق و تغییر هوا و خشکی کشت و زرع و زوای
 کار عملداران و تجارت و اهل صنایع (اگر در قوت بود) دلالت کند بر رونق تجارت و اہل
 اسواق و تیزی بازارها و خیرہ معاملات و آمدن اجناس نیک و سلامتہ ارتفاعات و
 ارزانی و رسیدن مسافران و فرح فضل و آریاب و آوین و بارندگی نافع و غر و اہل
 ارمینہ با اہل روم و رطوبتہ و اعتدال هوا و یادہای خوش و فرح و زرا و کتاب و زنان
 و خصوصت میان دیران و اہل ادب اگر زہرہ مستعلی بود مرگ و فحط باشد و کمی باران
 و کمی طعام و اگر عطار مستعلی بود اہل ارمینہ قصد رومیان کنند و جستن بادہا و
 کثرت باران (و اگر در سبلہ بود) دلالت کند بر حرب میانہ اہل عراق و ترک و ظهور
 علوم و حکمت و فرح کتاب و وزراء و کثرت فوائد ایشان و بارندگی و فرح عامہ و تعلق
 و عشق زنان با مردان و ساختن بیرنجات و بسیار سخن و مزاج در خلافت و ظہور
 سحرکان و تغییر و نیکی احوال عمار و تجارت و خوشحالی آریاب قلم و نزاع رومیان و
 عراقیان اگر زہرہ مستعلی بود علم و حکمت ظاہر کرد و رعد و برق و باران و بسیار
 ان در مواضع مستعدہ و اگر عطار مستعلی بود پادشاہ روم و عرب از مرتبہ خود
 نازل شوند و کثرت ارجیف بود (و اگر در جگہ بود) دلالت کند بر رونق تجارت و اہل
 بازار و خبرها صبح و فشاہ در خلافت و میل مردم بلواطہ و سحرها و افسونہا و عا

کثرت باران

و تیزی

کثرت باران

و تیزی

میان زنان و مردان و سر مال و برف و مرگ بزرگی عظیم الشان در روم و کثرت و با و اسقاط اجسام
از شدت سرما و فرود رفتن یکی از اعیان عراق و مرگ زنان و اگر زهره مستعلی بود پادشاه
روم رحلت نماید و بسیاری از زنان باشد و یکی یاران و اگر عطارد مستعلی بود پادشاه
روم داوخت فرزند و علت ظاعون شیوع یابد و کثرت باران و طوفان باشد (قران
سفلیین در مثلث هوائی) دلالت کند بر رونق مستوفیان و دبیران و اهل عمل و تجار
و بسیاری بجاهله در علوم و رواج بازار برده و عطر فروشان و بزازان و رواج کار
ندما و اهل نظم و اجتماع زنان و کودکان و در سل و در سایل میان عاشقان و معشوقان
و خوبی اشجار و اثمار و رفتن بادهای خوش در وقت و بادهای سرد در وقت و
ابر و بارندگی در وقت و آمدن قوافل و بیع برده و صحت کودکان در وقت و این است
و بی نایکی زنان و پیدا شدن زنا و سستی کار ساحران و تعویذ نویسندگان و در چشم
و ابله و بیماری از کثرت عشق و مایحولیا (اگر در جوزا بود دلالت کند بر رواج کار
اهل دیوان و تجار و اهل حرف و امانت در خلایق و تعلق امارده و نسوان و سلا
و صحت اشجار و اثمار و آمدن اخبار و صلواتی مسافران و مترددین در اطراف
و رعد و برق و جریان آنها و بارندگی و اگر زهره مستعلی بود سلامتی مردم باشد و
بسیاری رعد و اگر عطارد مستعلی بود میان اهل روم و عراق عرب نزاع و مجادله با
(و اگر در میزان بود) دلالت کند بر نیکی حال مسافران و فوت عمال و تجار و نشاط و
خوشدلی این طائفه و وقوع اختلاط امارده و نسوان در رواج بازارها و فرج تجار
و مسافران و بغیر هوا و مرگ بزرگی و حرب میان ترک و روم و عراق عرب و شادی گناه
و ظهور ظاعون در اکثر مواضع مستعدا اگر زهره مستعلی باشد مرگ ملل باطل و غیره
پادشاه روم و روان کردن جوینها و اگر عطارد مستعلی بود میان اهل روم و ترک حرب
افتد و در بیشتر بلاد مرگ حادث شود (و اگر در کلب بود) دلالت کند بر غر و اهل
روم با اترک و بادهای سخت و شدت سرما و بارندگی در وقت تجار و اهل بازار و
در حال بود و سستی میان زنان و مردان و نیکی حال مترددان اگر زهره مستعلی باشد میان

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

در مثلثات اربع

مقارنه عطار دوزهره

روم و تریه فتنه و حرب بود و در حوزستان خصومت باشد و توسط بارندگی بود و اگر
 عطار مستعلی بود قصه مردم در اکثر نواحی باشد و بارندگی و نیکی ارتفاعات (قران
 سفین در مثلث اربع) دلالت کند بر مراجعت مسافران بحر و کثرت بیع جواهر لایه و
 معمور بناغات و بساتین و خیاض و غور میانه و بارندگی و سرما در وقت و رونق
 خزاران و ملاحان و غواصان و صلاح عامه و فراخی طعام و شادی اهل صنعت و طوق
 و طرب در عامه و مردم سفله و عداوت انگیزی زنزد و او باش (اگر در سلطان بود)
 زلزله بود و مؤمن در بلاد و قرای شرق و روم بدست در زمان و عدد برق باشد
 و امکان باران و بادهای خوش و زرد و اگر زهره مستعلی بود خرابی باشد در زمین بابل
 و مرکه در ولایت روم تمامه زنان و کثرت عدد برق بود و اگر عطار مستعلی باشد
 مرکه زنان و مردم خزارع و برزگران بود و اتفاق افتادن زرد و خورد میانه دو جامع
 (اگر در عقب بود) دلالت کند بر نیکی حال زنان و بازرگانان و کثرت فواخر و
 و بیانی امر دان و رونق خزاران و مقامان و رسیدن مسافران دریا و بارندگی سخت
 و قوت باد و اهو در مغرب و خرابی به جز از ترا و واضع و قتل و سختی و زدنی و ظهور
 حرب و پراکنده شدن لشکریان و سلامتی زنان حامله و اطفال و عدد برق اگر زهره
 مستعلی باشد مؤمن بابل بود و قتل بسیار و عدد برق و باران و زلزله و اگر
 عطار مستعلی بود کثرت دزدان بود و پراکنده شدن لشکرها و غم مردم جبال بطور
 ارضیه (اگر در حوت بود) دلالت کند بر وفات زنان و مردان و رونق مطربان
 و رفعت مردم بله و طرب و آمدن ناچار ساره و امطار مفیده و صلاح احوال مردم
 و عدل سلاطین و عدد برق و زیاده شدن آنها و حرب در زمین ترکستان و مرکه
 بسیار و اگر زهره مستعلی بود صلاح حال مردم باشد و کثرت مرغ و قاصد و باران و
 و اگر عطار مستعلی بود حرب ترک بود در خراسان و نیکی باد و باران (مقارنه قمر و
 زهره در مثلثات اربع) قران قمر و زهره مطلقا دلیل است بر نیکی حال و زیاده
 کشت و زرع و فراخی معاش و رفعت مردم بنکاح و شنیدن اصوات و الحان و لعب

در مثلثات اربع

در سلطان

در عقب بود

در حوت

مقارنه قمر و زهره

قران قروره در مثلثات ارض

زرد و شطرنج و توجیه کردن مردم بلیاس مطبوع و با کواکب لطیفه و تغییر هوا و نم و باران
 بسیار و سرما در وقت پس از زهره مستعلی باشد دلالت کند بر کثرت امطار در وقت
 و اگر قمر مستعلی باشد تواتر ریح جنوبی بود و کثرت نم سیما در ربع صیفی (تنبیه)
 مناسب می گوید اگر قمر مقارن زهره شود و قبل از زهره غروب کند و در اغفال زهره
 تحت الشعاع بود یا دشاهی در جانب مشرق هلاک شود و اگر زهره در این حال بر
 باشد و قبل از قمر غروب کند خیر و صلاح خلایق بود و اگر قمر مقارن مشتری باشد و
 مشتری تحت الشعاع بعد از قمر غروب کند ملک مغرب هلاک شود (قران قروره در
 در مثلثات ارض) دلالت کند بر بیماری زنان و رفتن بفرزها و اختلاف هوا و معام
 کردن عامر با سلاطین و خوابیدن معظله و نیک مزاج هوا و خوبی و رخا و بیماری مسافران
 (اگر در حمل بود) دلالت کند بر آرد و کدورت هوا و بارندگی در ربع پیرایه و وقوع
 مهمانی و زفاف معاشرت و شادی و وام و رسولان و زنان حاکمه و کثرت تولد
 و تناسل و بادانهای نافع و ارزانی نمود و رسوم و اخبار نیک خاصه در مشرق و اگر
 زهره مستعلی بود باران و باد بسیار آید و اگر قمر مستعلی باشد باد جنوب بسیار
 جهد (و اگر در اسد بود) دلالت کند بر کثرت نداوت و رطوبت و اعتدال هوا و برآمدن
 نکاحها و طرب در ملوک و خوابیدن و زدن الامت زینت و ساحتن زینورها و کثرت
 مناکحت و مواصلت عیش و طرب در ملوک و سروران و زدن سکه نور قوت حال
 خوابیدن بزرگ و جمعیت زنان و اهل طرب و رفتن عوام بموضع زه و کثرت سیر و
 کشت و حرکه رسولان و بریدان و زیادتی میاه اگر زهره مستعلی بود باران کمتر آید
 و اگر قمر مستعلی بود در مواضع مستعد باران بسیار آید (و اگر در عقرب بود) دلالت
 کند بر سلامتی مسافران و خوشدلی رسولان و صلح عامه و فرخ زنان و امران و پادشاهان
 و سرها و حرب میان اهل فارس و روم و کثرت زدن و اسقاط حمل و افش دواب و
 مخالفت مردم و فساد حال اطفال و عشرت و نشاط میان علما و وزرا و سادات
 و قضاة و میل مردم بحیرت و اظهار سلام و بیع برده و روانی در ازم زدن سکه نون

تنبیه

در مثلثات ارض

در حمل بود

در اسد بود

در عقرب بود

مقارن قمر زهره

اجتماع مردم در مجلس قضاة و اگر زهره مستعلی بود بسیاری نم و باران و رعد برق و
 اگر مستعلی بود مثل استعلاء زهره بود (قران زهره و قمر در مثلته خاکی) دلالت
 کند بر نیکی حال نبات و زروع و روانی بازارها و نیکی حال عامه و خشکی هوا و کمی
 در تابستان و خزان (و اگر در شهر بود) دلالت کند بر فتنه در زمین فارس و موت
 یکی از حکام اینجا و بسیاری دزدان و قاطعان طریق و مرگه کا و کوسفند و قوت
 بزرگ زادگان و خواتین و اهل طرب و آمدن مسافران و اجتماع خواتین در جشنها
 اگر زهره مستعلی باشد هوا خشک گذرد و اگر قمر مستعلی بود نیکی حال فقها بود در
 زمین فارس و مرگه یکی از حکام اینجا و بسیاری دزدان و اندکی کشت و زرع و مرگه کا
 (اگر در سبیل بود) دلالت کند بر هرب میان اهل فارس و روم و اسقاط حمل و
 دو آب و نیکی حال زنان و اهل طرب و آریاب موسیقی و اهل بازار و قوت حال مسافران
 و پیکان و جاسوسان و نکاحهای بزور و طرب در روز آریاب قلم و رسیدن اخبار
 و بیع برده و دو آب و اگر زهره مستعلی بود باران بسیار آید و اگر قمر مستعلی بود
 بسیار باشند و مرگه کا و کوسفند بود و کمی کشت در فارس (و اگر در جگه بود)
 دلالت کند بر قوه حال مسافران و صلح میان خلافت و فتح طرق و شوارع و سفرها و باران
 و المذبح هوا و پنج بند و غلامی مترددین از راههای مخوفه و رسیدن بمساکن و اوگان
 و نیکی حال کشت و زرع و بیع برده و ستور و انقلاب حال عامه و زرد و خورد میان
 اهل فارس و روم و اسقاط اجنه و انقلاب حال عامه و تنفوق دو آب و موت یکی
 از بزرگان روم اگر زهره مستعلی بود باران کمتر آید و اگر قمر مستعلی بود جنک و مجادله
 باشد در فارس و بسیاری دزدان و مرگه کا و وحرن باشد و اندکی کشت (مقارن زهره
 زهره و قمر در مثلته هوا) دلالت کند بر بیابانها در میان علما و اهل فضل و زنان
 و سستی بازارها و اعتدال هوا و جستن ابرها و بادهای مختلف (اگر در جزایر بود)
 دلالت کند بر نیکی حال عامه و رعیت کردن بنکاح و قصد دادن فرزندان خود را
 در شکم و نیکی حال دو آب و بادهای بسیار و رسیدن چیزهای درست و راست

در مثلته خاکی

در قوت

در سبیل

در جگه

در جزایر

در شکم

در مثلثات اربع

و نوشتن عهد نامه ها و میل مردم بشعر و خط و نقاشی و صنایع دقیقه و آمدن اخبار
و نامحبات و نیکی حال دیران و طرب در ایشان و فرخ رسولان و اگر زهره مستعلی بود
باوان اندک باشد و اگر قمر مستعلی بود بادها سخنجهد (و اگر در میزان بود) دلالت
کند بر طرب در زنان و آراستن مجالس و وقوع سورها و جشنها و قدوم مسافران و
رونق آداب از امیر و اوتار و اهل طرب و وقوع نکاحها و دلموشی اهل اسفار و وزید
با دهنها و رشد خواتین و صحت بیماران و قوه دوشیزگان و اعتدال هوا در وقت اگر
زهره مستعلی بود اعتدال هوا بود و اگر قمر مستعلی بود بیاری نم بود (و اگر در کوه
بود) دلالت کند بر مدوت با د و باران و برف و کساد با زارها و شادی در میان
عوام و شیوع صنایعهای تقلیدی و میل مشایخ و حکما به شربت و تماشا و قوت خاندانها
قدیم و راندن نکاحها و کثرت اجناس و سلامتی مسافران و زنان اگر زهره مستعلی بود
بیاری نداده باشد و اگر قمر مستعلی بود در عد و برق و باران بود (مقارن زهره و قمر
در مثلث اربع) دلالت کند بر رفق و مدارا در میان رفقا و مصاحبان و باران در ولج
بازارها و بدی حیوانات اربعه و رفتن ابرهای مختلف الاوان و بادهای (اگر در کوه
بود) دلالت کند بر کثرت و وفور جواهر اربعه و نیکی حال اهل اسفار و مترددین و منفعت
ایشان از سفر دریا و طرب در عوام الناس و نیکی حال کشتیها و بیاری سودها در
صنایعها و عشرت و نشاط در میان مردم و قوت حال شاطران و قاصدان و فرخ زنان
و اهل طرب و جمع شدن ایشان در سورها و صنایعها و برآمدن کارها با سائ و اجناس
نیک و اگر زهره مستعلی بود باران و نم بسیار بود و اگر قمر مستعلی بود باران و نم باشد
(و اگر در عقرب بود) دلالت کند بر بد حالی خماران و اهل فسق و زنا و شدن آنها
و سفرها و سلامتی زنان عامه و کثرت ابر و باران در وقت و سستی حال زنان بزرگ
و فرود آمدن مسافران و رسولان و بعضی خاطر زنان و بیاری اهل موسیقی و خدم
و نا ایمنی طرق و شوارع و اگر زهره مستعلی باشد باران و نم بسیار بود و اگر قمر مستعلی
بود مثل استعلاء زهره بود (و اگر در عقرب بود) دلالت کند بر کثرت باران و ندکی و

میزان

میزان

مثلث اربع

میزان

میزان

میزان

قران قمر و عطارد

سیاه و جمعیت خوابین و طرب برزگان و اشراف و ائمه و قضاء و فرج عوام الناس و کشت
 و ذرع و رغبت مردم بنکاح و تغییر هوا و تراید قنوات و میون و سردی هوا
 و فائده و نفع مسافران دنیا و غزاد و ولایت روم و کثرت مرغ و ماهی و اگر زهره
 مستعلی بودیم و ندوات بسیار بود و اگر قمر مستعلی بود هم چنان باشد (فصل
 پنجم در قران قمر و عطارد در مثلثات اربع) قران قمر و عطارد مطلقاً دلالت کند
 بر طلب کردن تعلیم علوم و در تحقیق و نفیث مسائل سعی بلیغ نمودن و میل کردن
 به عواید و عشق کارهای نهانی (قران قمر و عطارد در مثلثات اربعی دلالت کند
 بر خیر کردن سلاطین و فرماندهان و تردد در سولان و جاسوسان و ارسال نامهها
 از اطراف با اطراف و تکمیل آلات حرب و تشویق و اراجیف (و اگر در جهل بود)
 دلالت کند بر بسیاری بادهها و خبرهای مختلفه و آمدن سولان و پیکان و
 بازار قضا بان و بیع و شری برده و سلاح و نیت شدن هوا و زیرکی خلائق و نیت
 مزاج و هزل و شر و طراری و تغییر هوا و بخارها و نوشتن عهد نامهها و رونق پیشه
 کاران و اگر عطارد مستعلی بود ملک با بل را خیر خیر رسد و باران و باد بسیار بود
 و اگر قمر مستعلی بود باران و باد بسیار آید (و اگر در اید بود) دلالت کند بر حرکت
 ملولت و سلاطین و رسیدن رسل و رسائل از جانب یکی از سلاطین و اخبار از جانب
 برزگان و بیع جواهر معدنی و طلب مال کردن حکام و زیادتی شغل و عمل اشکاران
 و نوشتن امثله از جانب دیوان و رفتن بادههای کمر و رسیدن قوافل و متره زمین
 و درواج بازارها و غلوی عامه و بیماری مردم و جستن بادهها اگر عطارد مستعلی باشد
 مرگ بسیار بود و ظهور ملخ و هبوب رجاج و اگر قمر مستعلی بود موت شیوع یابد و
 کی باران و متصل هبوب رجاج بود (و اگر در اید بود) دلالت کند بر ورودت هوا
 و رفتگی برف و یخ بند و تردد در سولان و مسافران و حدوث اخبار مختلفه و بیع برده
 و حیوانات سم شکافته و رونق اهل حرفه و رسیدن مسافران و مباحثه و مناظره دیوان
 و شرعی و نوشتن فتاوی و خلاصی محبوسان و موت هلاکی در یکی از سواحل اگر عطارد

در مثلثات اربعی

در اید بود

در اید بود

در اید بود

در مثلثات اربع

مستعلی باشد دشمنی افند میان مردم و کثرت باران بود و اگر قمر مستعلی بود بسیاری نمها باشد
 و موت یکی از حکام کار دریا (مقارن قمر و عطارد در مثلثه خاکی دلالت کند بر فراخ
 طعام و شراب و خشکی هوا در زمستان) (اگر در ثور بود) دلالت کند بر نقصان گیاه
 و توسط بارندگی و بیماری را حیف و وقوع سرما و بیع مطعونات و ستور و عمارات
 و زرع و آمدن مسافران و شادی عامه و کثرت کارها و فراخی نعمت در بازارها و
 رواج کار اهل اسواق و بسیاری عمارت و زراعت و خشکی هوا و تاریکی اگر عطارد
 مستعلی بود عزم غرور و دست دهد و بسیاری باران و آب رود خانهها باشد
 و اگر قمر مستعلی بود توالت و تناسل بسیار بود و نقصان گیاه باشد و توسط باران
 (اگر در سنبله باشد) دلالت کند بر رواج بازارها و کثرت معاملات و آمدن کاروانها
 و رسولان و میل مردم بحکایات و روایات و قصه و داستان و سبکی حال بزرگان و
 آمدن اخبار صحیح و رونق دیوانیان و اهل اسواق بیع غله و حیوانات و برده و کتاف
 و انقلاب حال کتاب و رونق اطباء و اهل تجیم اگر عطارد مستعلی بود علی الاتصال هبوط
 ریاچ بود و اگر قمر مستعلی بود باران میانه بود (و اگر در جد بود) دلالت کند بر زرع
 ماندن مسافران و پیکان و بیع ستور و برده و اختلاف هوا و شدت سرما و سختی
 و سبکی حال کار و بلندی ترخنها و تغییر حال عامه و تیزی بازارها و بارندگی و منفعت
 مترودین و وزیدن نسایم بارده و غزرت اطعمه و محوم و دسوم و محاسبه مزارعان و
 اگر عطارد مستعلی بود نم بسیار بود و اگر قمر مستعلی بود خشکی هوا و کمی نم باشد (فراخ
 قمر عطارد در مثلثه خاکی) دلالت کند بر رواج کار صنایع و قال داران و دیران و فراخی
 طعام و شراب و خشکی هوا) اگر در جوز بود دلالت کند بر کثرت تعلیم و تعلم و ارسال
 و ارسال و رسائل از اطراف باطراف و سبکی حال مسافران و تجارت و فساد هوا و وزیدن بادها
 و حدوث منازعت میان اهل قلم و شادی عمال و متصرفان و مکرزنان و بکار داشتن
 محرمها و افسوسها سیمانیر نجات و سایر اعمال غریبه و بیع و شری برده و در آب و رواج
 بازار کتاب و آمدن کتبهها و بیع جواهر اربع و رواج کار عامه و محترمه و رطوبت هوا

در ثور

در سنبله

در جد

در مثلثه خاکی

در جوز

و رونق کار نقاشان و اگر عطار مستعلی بود فخط بود و جستن بادها و آمدن ملخ و اگر
 قریب مستعلی بود جستن بادها باشد و توسط باران (و اگر در میزان بود) دلالت کند
 بر هبوب ریح مضطرب و بیج برده سفید پوست در طوبه هوا و آمدن اجناس تازه
 و رونق کار شمارندگان و اهل مزایر و او تارودوسی میان دختران و پسران و رواج
 بازار اقمشه و عطر و رغبت زنان بفتنه و فحوق و حرکت مسافران و اجتماع عوام و گفتن
 محاللات و میل هوا بچنگی و امکان باران و سلاصت حال بازرگانان و سود ایشان
 در معاملات و خوبی کشت و زرع و اگر عطار مستعلی بود یعنی باران بود و بسیار
 نم و اگر قریب مستعلی بود بسیاری نم و برودت هوا باشد (و اگر در میزان بود) دلالت کند
 بر باد های مخالف و خوف عوام الناس از اخبار هبله و بسیاری بحث علوم دقیقه و
 طلب طلسمات و نوشتن هیئا کل و آمدن شاطران و آمدن خبرهای کونا کون و تفسیر
 هوا و سفرها و حرکت بجا رفتن در روم و صلاح گیاهها و کثرت امطار و مذابها و اگر
 عطار مستعلی بود میان اهل روم و عراق حرب افتد و بسیاری باران باشد و اگر
 قریب مستعلی بود میان اهل روم و خوزستان خصو افتد و جستن بادهای بسیار (مقا
 قریب عطار در مثلث آبی) دلالت کند بر روانی کارها و عمال و مسافران و سفرهای
 و بیماری اطفال و رفتن ابرهای دائمی و فرستادن رسول و پیغام و حرکت لشکرها بقیه
 و اراجیف میان مسافران و بدی حال حیوانات از هر نوعی و آمدن بارانهای بوقت فرا
 طعام و شراب (اگر در سرطان بود) دلالت کند بر ارسال پیکان و قاصدان و آمدن
 کشتیها و بیع جواهر لایه و بارندگی در مواضع مستعد و تباریکی هوا و رواج کار محترفه
 و رونق بازرگانان و بزرگی عوام و تیزی بازارها و خواندن اشعار و حکایات و سنجی
 حال زنان و اصحاب طو و طرب و رغبت مردم بعلم و آمدن باد سموم در بلادیه عرب
 اگر عطار مستعلی بود طول عیش ناپ شاه روم باشد و کثرت رطوبات و زیادتی میا
 و اگر قریب مستعلی بود مدد و دانهها برود و توسط بارندگی در ریح متواتره (و اگر در عقرب
 دلالت کند بر ارتفاع بجا رات و ابرها و کدورت هوا و افتادن اراجیف و فساد حال

در میزان

در میزان

در میزان

در میزان

در میزان

در مثلثات اربع

مسافران و در ماندن جاسوسان و آمدن باران و ریاح ضاره و فساد حال اطفال و گفتگو
 خلافت و توقف مسافران و رسولان بالضرورة و کثرت اوجیف و تیزی بازارها و سکر ما
 و خرید و فروخت اسلحه و موت کودکان و زنان و اگر عطار مستعلی بود اهل رقه و هو
 با مردم حوزستان و اهواز نزاع نمایند و باران و باد باشد و اگر قمر مستعلی بود نم و رطوبت
 بود و ظهور یکی از علامات الهی (و اگر هر دو مستعلی بود) دلالت کند بر وقوع قضایای
 شرعی و اصلاح ذات البین و حدوث امطار نافعه و وقوع قضایا و ضیافتها و رسیدن
 مسافران و تیرگی هوا و دعویها و گفتگوی مردم و انتقال و انقلاب حال بزرگان و حرکت
 سفاین و رونق سیادان دریا و ساخته شدن کارها شرعی و خلاصی مجوسان از حبس
 قضاة و انقلاب حال سادات و علماء و بیماری کودکان و برده کان و زیاده شدن جاه
 و ذراء و اگر عطار مستعلی بود حرب پادشاهان بود در طرف مشرق و نقصان آنها
 و اگر قمر مستعلی بود مرغان بسیار شوند و بارانهای نافع و زیاد شدن آب رودخانهها
 باشد (استعلاء) در اصطلاح اهل این فن با انواع است و آنچه بکرات مذکور شد
 اشاره بیک نوع است که بیانش در اینجا مناسب است و آن چنان است که هر کوب از
 دو کوب متقارن که بذروه تدویر اقرب باشد و هم چنین مرکز تدویرش با وج ازان
 کوب دیگر او مستعلی باشد بر آن دیگر و بعضی تدویر را پیش اعتبار کنند و حق آنست که
 هر دو را معتبر دانند و اگر اتفاق افتد که کوبی در هر دو امر مساوی باشند آنکه ضاعده بود
 غالب بود بر آنکه ها بط بود و اگر هر دو در این حال ضاعده یا ها بط باشند آنکه عرضش
 بیشتر بود مستعلی بود و اگر هر دو جنوی بود آنکه کمتر بود (تنبیه) اتصال بجرم
 از اتصال بنظر و هر چند آن نظر مجیب مان اقرب بود چه تصریح کرده اند که اقتضای بقا
 تاثیر شعاع را باطل کند بدون عکس (تنبیه) معلوم بوده باشد که تا هر دو کوب بقا
 بیک برج حلول کند اثر مجامعت ایشان ضعیف بود هر چند اتصال محقق شده باشد
 (فضل ششم در احکام قرانات غیر تنبیه) چون دو کوب با یکدیگر قران کنند اگر
 یک کوب دیگر یا زیاده قصد مقارنه ایشان کند حکم آن قران متفاوت شود و همچنین

تنبیه

تنبیه

تنبیه است

تنبیه

ذکر بعضی از قرائنات غیر شایسته

اگر قصد نظر دیگر کند اما اثر نظر کمتر از مقدار مذکور باشد و قوام احکام آن بعد از منجم منوط است
 که جبر و تاکید او را نیکو نام کند و بعضی را که دیرتر دست دهد مخصوصا راه نداند بلکه
 احکامش بسال رسد ام از آنکه پیش از امتزاج اثر کند یا بعد و ما حکم بعضی قرائنات غیر
 شایسته در بروج اثنا عشریه که هر مس حکیم ایراد نموده ذکر کنیم تا طالب این فن را ندانند که در
 دستور باشد و قیاس آنچه مذکور نباشد از آن تواند کرد (مقارنه شمس و شمس و زهره
 و عطارد و قمر و زحل) دلالت کند بر حسن حال آدمیان در جمیع بلاد و افاق و کثرت برکت
 و ارزانی گو سفند و بسیاری آن و رفعت مراتب زنان و خوانین معظه و بلندی حال کاتبان
 و اشراف نزد ملوک و عظام و کبر از مملکت خود بجانب غیر و وقوع امراض در بلاد و بروج
 پادشاهان و اشراف و اکابر و بروج زنان و همچنان سودا در مزاجها و تلف شدن بهایم
 (مقارنه شمس و شمس و زهره و مریخ و قمر در شمس) دلالت کند بر افک و کذب و ارجاس
 در میان مردم و هرج و مرج در بلاد و اراضی و هلاکت اشراف بحکم ملوک و رفعت مردم
 و رفعت ایشان و خروج جمعی از حیال در دیار عجم بر پادشاه و بسیاری مکتب و طول فساد
 ایشان در ممالک (مقارنه شمس و قمر و عطارد در جمل) دلالت کند بر فساد حال
 کباب و اگر زحل نیز داخل باشد کباب و اهل دیار متبدل شوند و احوال اهل دیار و بین
 منقلب گردد و خوارج بر پادشاه بیرون آیند و زرخیزا ارزان شود و هلاکت طیور باشد
 و ظهور بلخ (مقارنه زحل و شمس و مریخ و شمس و عطارد و قمر) در سلطان دلالت کند
 بر قلت خبثت و جمع مواضع و خوفنا از سلاطین و توهم کردن بعضی مردم از بعضی دیگر و
 آدمیان و ظهور هلاکات و زلزله و خفت و فساد بحر و قلت صید (مقارنه زحل و مریخ
 و قمر در اسد) دلالت کند بر قصد ملوک و بعضی فغاندهان و بسیاری گرفتاری و شدت
 (مقارنه زحل و مریخ و عطارد در سنبله) دلالت کند بر افترار و وقوع و اگر شمس و قمر با
 بود دلالت کند بر انکساف شمس از بخارات و غبارات و حرب میان اشراف و مردم سفله
 و ریختن خونها و اگر زهره با ایشان بود دلالت کند بر کثرت تو و فو راب جاهلها (قران
 شمس و مریخ و شمس و قمر در میزان) دلالت کند بر نیکی با رانها و بادها و کثرت نم و فساد

مقارنه شمس و شمس و زهره

با اشراف و عظام

و اشراف

و اشراف

و اشراف

و اشراف

حال هوا و ارتفاع بناوات و وفور صیان خامه در آخر سال و موت مردم صالح و دین
 دار و ارباب عبادت و کثرت عیار (مقارنه زحل و مریخ و زهره در عقرب) دلالت کند
 بر کثرت سباع سیما ضباب و بسیاری هوام خامه عقارب و جدا افتادن پادشاهی از
 لشکریان و امرای خود و وفور جور و ظلم در عالم و اگر با زحل و مشتری و مریخ و قمر باشد
 بدون زهره دلالت کند بر کثرت باران در اکثر مواضع و وفور میاه ساقطه (مقارنه
 زحل و مشتری و عطارد و قمر در قوس) دلالت کند بر غرق کشتیها و کثرت تخیر ملک
 و ارتفاع اشرف و کتاب و اصحاب عزائم و نجوم و سحر (مقارنه مریخ و شمس و عطارد
 در جد) دلالت کند بر دوت برص و جذام و جراحتی که محتاج بشکافتن و داغ باشد
 در ملوک یا اعیان دولت و کثرت برق و رنج و عیار و بسیاری دزدان (مقارنه زحل
 و مریخ و قمر در ثور) دلالت کند بر قلت باران و کثرت آب چشمها و موت در خلائی و
 قطع طرق مسافران و کثرت سیلاب باران (مقارنه زحل و مریخ و شمس و عطارد
 کند بر قلت آندوه و کثرت صید دریا و آمدن ملخ و اگر مشتری با ایشان بود بغیر از شمس
 اید متوسط بود و اگر شمس با ایشان باشد و محوس شود مریخ دلالت کند بر موت اشرف
 و عطا و قتل یکی از ملوک و سلاطین و اگر مریخ و زهره مقارن شوند و از شمس مضرت
 شده بعطارد قران کنند و بیشتر متصل شوند دلالت کند در انسال بی نیکی حال
 زنان و خوشی معاشرت ایشان با مردان و متابعت نمودن (اگر زحل و مشتری و شمس
 در برج باشند و مریخ در برج دیگر منفرد خاسب یکی گوید که پادشاه بر دشمن خود
 ظفر یابد و اگر در برج متعلق بیاید شاه باشند و برعکس اگر در برج دشمن باشند
 (تفسیر) اجتماع دو کوکب یا زیاده از کوکب رنج در برج هوائیه دلالت بر کثرت
 رنج غاصف و کوکب رنج شمس است و عطارد و مشتری و اگر اکثر کوکب در صورت
 و مشکلات اوج شوند دلالت کند بر کثرت باران چنانکه باعث مضرت شوند (تفسیر)
 ابو معشر بلخی گوید که هرگاه نلثه علویه در یکدیگر و یکوجه جمع شوند و شمس با ایشان
 باشد هر آینه آن توان عظیمی بود پادشاهی تولد کند که خوارج و اهل فساد را براندازد

و کثرت

و کثرت

و کثرت

و کثرت

و کثرت

در احکام نظرات کسبه سیاره و سایر حکام آنها

و بقتل سجد از کتاب نماید و الله اعلم بر طباع سلیمه مخفی نمائند که قرانات کوکب شناس
یا غیر شناس یکصد و بیست نوع است چنانکه بطیلموس در کلمه پنجاه و دوم از کتاب
مثره الفلک آورده باین عبارت که لا تغفل عن امر المائة والعشرين قرانا فان
الكواكب المنجیة والنجیة فان منها علم اكثر مما يقع فی عالم الكون والفساد وارجله
این یکصد و بیست قران بیست و یک شانسه باشد و سی و پنج ثلاثی و همین قدر
رباعی و بیست و یک خماسی و هفت سداسی و یک سباعی و تفصیل از سلطان محقق
در شرح مثره ایراد نموده و احکام ثنائیات السنکه بترتیب بسط هر چه تمام تر بیان
نمودیم و از بانه قرانات نیز شمه ایراد شده چه اگر اینها را بتفصیل ذکر کنیم باعث تکثیر
سواد و تطویل کلام میشود و از غرض و مقصود باز میمانیم لیکن بیاید دانست که از
این قرانات هر کدام کمتر اتفاق افتد تا اثر آن بیشتر و حدش دراز تر بود پس از همه
عظیمتر قران سباعی باشد که دلیل طوفان و انقلابات کلی بود و شری عظیم از آن
حاصل کرد چه اگر در یکدرجه جمع شوند یکدفعه شش کوکب و پنج محس غالب کردند
بر دو سجد چه زحل و مریخ بذات و حرم محس اند و اجتماع این کوکب در اینحال بذات با
و عطار و مهر مزاج که قوی تر بیندمد و معاون او شود پس پنج شوند و بر سعد غالب
کردند پس شرع عظیمی حاصل آید از مزاج آن محس که مستطلی و از مزاج آن برج و درجه
که این قسم اجتماع در آن باشد اما اینکه در یکدرجه جمع شوند آری است نادرا اتفاق
و در یکبرج ممکنست و شش کوکب بسیار مشاهده شده چنانکه بزرگان اشاره بان
کرده اند و تاثیر شش کوکب دیدیم در حوت در سال هصد و نود هجری و شش دیدیم
در قوس مزارد و از ده هجری و چهار و پنج بکرات مشاهده کردیم پس اگر این اوضاع
قرب بتحول دوری یا فصلی افتد عظیم الاثر باشد و اگر شخص بر طالع آن برج متولد شود
اگر از نژاد و دوده ملولت بود پادشاهی بزرگ کرد که اقالیم در حکم آورد و الله اعلم
فلنرجع الی کتاب صد بیانیه (باب دوم) در احکام نظرات کوکب
سکبه سیاره و احترافات و اجتماعات و استقبالات و تاسیسات و ان هفت فصل

محقق کردیم